

# افیون دین جان گدازترین افیون ها!

«نگاهی کوتاه به وضعیت زنان قربانی افیونها در افغانستان»

عطا خلقی ۱۵ خرداد ۸۸

[ata.kholghi@gmail.com](mailto:ata.kholghi@gmail.com)

**دین افیون توده هاست!** مهم نیست چه نامی بر خود نهاده باشد. اسلام، مسیحیت، یهودیت، آیین بودا، ... هر کدام و همه به اندازه کافی حرمت انسان و حقوق انسان و خود انسان را زیر پا گذاشته اند. هریک از اینها به درازای قدمت شان خونها ریخته اند. رسالت هر دینی از ادیان در هر دورانی، واداشتن انسانها به تسلیم شدن و اطاعت کردن از فرامین و دستورات خداوند یکتا و خدایانی موهوم و "فرستادگانی" بنام رسولان خدا و نیبانی بنام خلفا و امامان بوده است.

هنوز در این قرن بیست و یکم هم این افیون بر ذهن و وجدان و شعور میلیاردها انسان سنگینی میکند. حتی در سکولارترین جوامع هم آثار و رد پای دین و مذهب در قوانین و عرف و فرهنگ مردم جایگاه دارد. از میان ادیان مختلف، ارتجاعی ترین و متجاوزترین شان به حقوق و حرمت و حریم انسان ها، اسلام است.

در این مقطع از تاریخ که عصر پیشرفت های فوق سریع علوم و فنون و فن آوریهای رایانه ای است، از آنجایی که خرافه مذهب میتواند در خدمت استراتژی بورژوازی باشد؛ آگاهانه و شیادانه از سوی بورژوازی و دول نماینده آنها تحت عنوان: «**احترام به فرهنگ و باور مردم و نسبیت فرهنگی و آزادی عقیده و بیان**»، دست مذهب را باز گذاشته اند تا خرافات مذهبی نشر عمومی و علنی پیدا کنند.

این روزها در کشورهای اروپایی دیگر هیچ قباحتی ندارد اگر متولیان دولتها به دفاع از قوانین شرعی سخن برانند و از آن آلترناتیوی برای برخورد به اهالی اهل شریعت و کتاب بسازند!

مصالح سیاسی و اقتصادی و دیپلماسی دول پیشرفته و سکولار آنقدر برجسته است که سکولارترین کشورهای جهان هم به اسلام سیاسی و حکومتهای اسلامی باج میدهند و حقوق شهروندان بی دین و ضد دین را پایمال میکنند و حقوق ویژه برای مسلمانان ضد سکولار قائل اند.

اگر تاریخ ادیان را ورق بزنیم چیزی جز قتل و کشتار و مثله کردن آدمها برای رضای خدا و پیامبران خدا نخواهیم دید. از جنگهای صلیبی گرفته تا تعرض خونبار صهیونیست ها علیه فلسطینیان، از تخدیر کردن های دارو دسته دالایی لامای پادو سی آی آمریکا در تبت گرفته تا تروریست های بنیادگرای القاعده و طالبان و...، از بیزنس توریسم پردرآمد عربستان سعودی با نام مناسک حج گرفته تا نقش واتیکان و پاپ اعظم و مسیونر های ولگرد مروج مسیحیت در سراسر دنیا؛ همه و همه یک هدف مشترک را پی می گیرند: **تخدیر مردم به باور داشتن مشتی موهومات و هموار سازی بستر گردش سرمایه!**

همه این ادیان و مذاهب جز افیونی برای خمار کردن و دور ساختن انسان ها از واقعیات زمینی و پناه جستن به اوهامات آسمانی و جز گندابی متعفن برای آلودن و آغشتن ذهن و وجدان و شعور انسان ها و بستری برای هموار سازی گردش سرمایه و توجیه استثمار، نیستند. از میان همه ادیان، نقش اسلام در توجیه نابرابری ها و تحمیل دگم اندیشی ها و جنگ و خونریزی، برجسته تر، مصرانه تر، ضد انسانی تر و جنایت بارتر است. **نوع طالبانی آن، بمراتب جنایت بارتر است!**

\*\*\*

نگاهی به گزارشات به آتش کشاندن مدارس دختران در افغانستان و پاکستان توسط طالبان در عین حال که اوج تحجر و قساوت این کتافت های بازمانده از دین نبوی اسلام را به نمایش می گذارد، مو بر تن هر انسانی را هم سیخ می کند. بنا اخبار رسمی از افغانستان، ظرف یک هفته در ولایات جنوبی و جنوب شرقی افغانستان چهار بار به مدارس دختران حمله شده است. این حملات که با پرتاب راکت و بمب دستی صورت گرفته اند، ساختمانهای این مدارس را به آتش کشانده است. بر اساس آماری که وزارت معارف افغانستان ارائه داده است در سال جاری خورشیدی، هجده مورد از حمله و به آتش کشیدن مدارس دختران توسط طالبان در سراسر افغانستان ثبت شده است. وزارت معارف افغانستان اضافه کرده است که ظرف یک ماه اخیر، بیش از هفتاد تن از معلمان و دانش آموزان در اثر حوادث مختلفی کشته یا زخمی شده اند.

علاوه بر حملات مسلحانه طالبان به مدارس، چند مورد اسید پاشی بر روی دانش آموزان دختر در جنوب افغانستان، چندین مورد از مسمومیت گروهی دانش آموزان دختر در ولایت کاپیسا در شمال کابل، نیز گزارش شده اند. بر اساس گزارشی روز سه شنبه ۱۲ ماه مه امسال، نزدیک به ۱۵۰ دانش آموز دختر در شمال کابل به طور همزمان مسموم شده و راهی بیمارستانها گردیده اند.

به آتش کشاندن مدارس و به تعطیل کشاندن مدارس سالهاست از سوی تبهکاران اسلامی طالبان ادامه دارد. در ماه مه سال ۲۰۰۸ وزارت معارف افغانستان اعلام کرد که حدود ۷۰۰ مدرسه در سراسر افغانستان در نتیجه تهدید و به آتش کشیده شدن طالبان تعطیل شده اند.

این وزارتخانه همچنین آمار معلمان و دانش آموزان کشته شده در جریان حملات طالبان را بیش از ۱۵۰ نفر اعلام کرده است.

به گزارش خبر گزاریهها، بدنبال تهدید های تروریست های طالبان ظرف شش ماه، از ۵۷۱ مدرسه دخترانه منطقه پیشاور پاکستان، بیش از ۱۶۰ مدرسه به طور کامل تخریب و بالغ بر ۸۰۰۰۰ دختر دانش آموز از رفتن به مدرسه محروم و متجاوز از ۸۰۰۰ معلم زن، خانه نشین شده اند. در نتیجه تهدید طالبان همه مدارس دولتی و غیر دولتی دره سوات، تعطیل شده‌اند.

ابعاد جنایات این گروه ضد بشر خدا پرست، آنقدر دهشتناک است که فغان کرزای مرتجع و دست نشانده را هم در آورده است و از سر زبونی و ناتوانی در رویارویی با برادران دینی اش، در یکی از همایش های بین المللی، گزارش مدرسه سوزان جنایتکاران طالبانی را این گونه اعلام می کند:

" در برخی از ولایات افغانستان حد اقل ۳۰۰ هزار کودک افغان به مکتب رفته نمی توانند. مکتب های آنها سوختانده شده و معلمان آنان شهید شده اند. پدران و مادران آنها تهدید شده و مکتب به روی این کودکان بسته شده است."

\*\*\*

ادامه کاری جنایات طالبان بدون یک پشتوانه مالی قوی و جز از طریق شرکت مستقیم در بازار تولید و توزیع و خرید و فروش مواد مخدر و همدستی با شبکه مافیایی ترافیک این مواد به خارج از این کشور و باج خواهی از کشت کاران خشخاش، ناممکن است.

شبکه تروریستی طالبان از بعد از سقوطش در سال ۲۰۰۱ تا کنون، برای تقویت هرچه بیشتر پشتوانه مالی و تدارکاتی و ادامه کاری جنایات اسلامی و ارتجاعی شان، همواره کوشیده اند کشاورزان منطقه را به کشت خشخاش و تولید تریاک و دیگر فراورده های افیونی، تشویق کنند.

استان هلمند که در غرب افغانستان واقع است و از پایگاههای اصلی طالبان بحساب می آید، بزرگترین مرکز کشت خشخاش و تولید تریاک در افغانستان است.

دار و دسته جنایتکار طالبان کشاورزان این منطقه را تشویق به کشت خشخاش می کنند تا با اخذ مالیات از آنها و درآمد حاصله از این مواد خانمان برانداز، توان ایجاد نامنی بیشتر و تجاوزات گسترده تری داشته باشند. و با درآمد حاصله از این افیون، **افیون اسلام** را بیشتر به میان مردم مفلوک ببرند و با این پول های کثیف مزدوران بیشتری را به زیر چتر اسلام در آورند و بمب و راکت و مواد منفجره بیشتری تهیه کنند و مدارس بیشتری را با خاک یکسان کنند و خونهای بیشتری بریزند و ماهیت **"دین مبین اسلام"** را بیشتر معرفی کنند.

طالبانی که زمانی تریاک را غیر اسلامی می دانست اکنون به نفع اسلام و در جهت تقویت آن، مباحث می داند و تجارت پرسود تریاک و فراورده های آن اصلی ترین مشغله سران و سرجنابان این گروه تروریست و مسلمان است.

اکنون کشت خشخاش و تولید تریاک و فراورده های آن، اصلی ترین و مهم ترین پشتوانه مالی برای خرید اسلحه و آموزش نیرو و ادامه کاری این گروه جنایتکار است.

این جنایتکاران حرفه ای و وصل به شبکه مافیایی سازمان یافته در سپاه پاسداران ایران، برای به دست آوردن میلیون ها دلار درآمد ناشی از این سوداگری مرگ، به در و دیوار محلات روستاها اعلامیه می چسباندند و مردم را تهدید می کنند که اگر خشخاش نکارند کشته می شوند و باین ترتیب مردمی را که مغز و فکر و وجدان شان را هاله ای از **"افیون اسلام"** گرفته است، مجبور می گردانند که روزی خود را با کشت خشخاش و تولید تریاک تأمین کنند و خراج طالبان را هم بپردازند و بازار مافیای تولید و توزیع این ماده جان فرسا و مهلک را از طریق سوداگرانی که بازهم سرشان به طالبان اسلام و جمهوری اسلامی بند است؛ گرم نگه دارند و این بسته های مرگ را به سراسر دنیا روانه کنند.

براساس گزارش سالانه دفتر مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل متحد در کابل، مساحت زمین های زیر کشت استان هلمند در جنوب افغانستان همچنان مهم ترین منطقه تولید تریاک در این کشور است.

در این گزارش آمده است: **«اگر هلمند کشور مستقلی می بود، بزرگترین تولید کننده تریاک دنیا به شمار می آمد.»**

براساس برآوردهای سازمان ملل، طالبان در حال حاضر با وضع مالیات بر کشت خشخاش و تولید قاچاق مواد مخدر، سالانه ۳۰۰ میلیون دلار درآمد کسب می کند که منبع اصلی تأمین نیازهای مالی این گروه است.

همدستی این گروه با باندهای قاچاق مواد مخدر، از سویی بازار تولید و توزیع این تجارت مرگ را رونق بخشیده است و از سویی دیگر زندگی انسان های زیادی را به تباهی مطلق کشانده است.

مردم فلک زده افغانستان و بیشتر از همه زنان این کشور، تنها قربانی مصائب یک جنگ و تجاوز سی ساله سرمایه جهانی و آفت مواد مخدر نیستند. بر بستر این جامعه متلاشی شده و سلطه ارتجاع، باز تولید کثیف ترین خرافه های مذهب و ضدیت با حقوق مدنی و انسانی انسان های این دیار در حوزه اقتدار ارمغان آورندگان **"صلح و دموکراسی"**، شکل قانونی هم بخود می گیرد.

چند ماه پیش قانونی ارتجاعی و زن ستیز از مجلس پویشالی افغانستان گذشت و تصویب شد و به تأیید رئیس جمهور این کشور رسید که بر اساس آن کثیف ترین و بالاترین حد مرد سالاری و بزرگترین توهین به زن، شکل قانونی بخود گرفت. بر اساس ماده ۱۲۲ این قانون:

**«بر زن واجب است تا در صورت تمایل مرد به درخواست جنسی مرد تمکین کند.»**، **«زوج (مرد) مکلف است در غیر ایام سفر حداقل از هر چهار شب، یک شب با زوجه (زن) اش در فراش واحد بیتوته کند، مگر در شرایط بیماری.»** **«زن بدون اجازه شوهر، نمی تواند از منزل خارج شود.»**

وقتی که مجلس ارتجاعی این کشور و رئیس جمهور بی اختیار آن به تبعیت از اسلام و تفکر طالبانی، مهر تأیید بر چنین قانون زن ستیزی می زند، معلوم است که زن ستیزان طالبان گستاخ تر از همیشه تخریب و به آتش کشیدن مدارس دختران را در ابعاد وحشیانه تری ادامه خواهند داد.

\*\*\*

رویدادهای جنایتکارانه به آتش کشیدن مدارس و کشتار دختران در افغانستان و پاکستان توسط طالبان، تنها سند جنایت پیشگی این گروه تروریست و دولت بی اختیار و فاسد افغانستان را روی میز دادگاه های دادرسی به این جنایات ضد بشری نمی گذارد، در عین حال آبرو باختگی و تجاوزات و سیاست های امپریالیستی و غارت گرانه کلیه دولتهای "حافظ حقوق بشر" و پیام آوران "صلح و دموکراسی" را که طالبان را پروراندند و کرزای را به کرسی نشاندند، افشاء و رسوا می کنند.

اگر این روزها و بسیار پیشتر از این هم طالبان به حکم خدا و به فرموده رسول خدا و در راستای امر به معروف و نهی از منکر به روی زنان و کودک دختران مدارس پاکستان و افغانستان اسید و تیزاب می پاشد و مدارس شان را به آتش می کشد و بر سرشان خراب می کند، این درجه گستاخی و جنایتکاری را از سیاست های تجاوزگرانه و شکست خورده حافظان سرمایه مایه می گیرد.

اگر اشغالگران افغانستان این نمایندگان سرمایه جهانی و این پشتیبانان مافیای مواد مخدر و این معامله گران و بند و بست چپان با اسلام سیاسی، که حکومت دست نشانده ای را بر مردم فلک زده افغان تحمیل کرده اند، حتی اگر مطابق موازین اشغالگری هم عمل می کردند، قبل از هر چیز می بایست امنیت شهروندان منطقه تحت اشغال خود را تأمین می نمودند، و کار و زندگی این مردم را سر و سامان می دادند و بستر روی آوری انسانهای گرسنه را به پیوستن به باند تروریستی طالبان می بستند. اما این اشغالگران و متجاوزین حقوق بشر با اسم رمز دموکراسی و زیر لوای شعار: "حقوق بشر" جز به پیشبرد سیاست های تجاوزگرانه خود نمی اندیشند، و روز روشن و زیر سلطه اقتدار سیاسی و نظامی خود لگد مال شدن حقوق شهروند افغانی را می بینند اما عکس العمل درخوری که متوقف کننده این تجاوزات باشد از خود نشان نمی دهند و ککشان هم نمی گزد که بر سر این مردم زجر دیده چه می آید!

اینها نه تنها نقشی در کوتاه کردن دست تبهکاران طالبانی دست ساخته خود ندارند، که دلالانی را هم راهی بارگاه آنها می کنند تا ملزومات سازش و آشتی طالبان با حکومت کارتونی و بی اختیار دولت کرزای را فراهم کنند.

اینها هم چنین در برخورد به قوانین ارتجاعی و ضد بشری پارلمان پوشالی این کشور که در واقع چراغ سبزی به طالبان و دلجویی از آنها است، اوج بی مسئولیتی خود را به نمایش می گذارند.

آخرین نمونه این برخورد رذیلانه را میتوان در اظهارات اوبامای "منشاء تغییر" در برخورد به قانون تجاوز و بردگی زنان افغانستان دید که چگونه با یادآوری "حساسیت های منطقه ای و فرهنگی" سر و ته مسئله را هم می آورد و از کنار اقدام به غایت ارتجاعی مشترک دولت و

\*\*\*

مجلس این کشور می گذرد!

امروز و بعد از یک دهه از سقوط طالبان در افغانستان، زنان افغان همچنان در جهنم اسلام و جهنم اشغالگران و در حوزه اقتدار سیاسی و نظامی کشورهای عضو ناتو می سوزند!

امروز و بعد از تحمیل سه دهه جنگ و ویرانی به مردم این دیار، زنان بیشتر از همه و در ابعاد دهشتناک تری قربانی می شوند و خشونت می بینند!

امروز دیگر به برکت اسلام و به پشتوانه قانون برگرفته از شریعت اسلام خشونت علیه زنان پیگرد قانونی هم ندارد!

امروز و بعد از سه دهه جنگ و اشغال، (سنگسار، تجاوز جنسی، ازدواج اجباری، ازدواج دختران خرد سال، چند همسری، حجاب اجباری، فرزند فروشی، جلوگیری از مدرسه رفتن دختران، ممانعت از کار کردن زنان در خارج از منزل، و...) همچنان ادامه دارد.

زنان افغان تنها از جنگ و مصائب آن در رنج نیستند! تنها محروم از حقوق فردی و انسانی خود نیستند! تنها در معرض اعمال انواع خشونت ها نیستند! این بخت برگشتگان، زن ستیزی خود را نیز باید بپذیرند والا مجرم اند!

ماده ۱۳۲ قانون حمایت از خانواده، به صراحت به مجرم بودن زنان اشاره دارد!

با تصویب چنین قانونی نه تنها زن ستیزی رسمیت قانونی می یابد، بلکه به اعتبار آن تجاوز مرد به همسرش قانونی و بدون پیگرد است و در صورت تن ندادن زن به این تجاوز، زن مجرم شناخته خواهد شد!

چنین قانونی، جنبه های زن ستیزانه دیگری را نیز در خود دارد. بر اساس چنین قانونی هیچ زنی بدون اجازه شوهرش نمی تواند شاغل باشد، هیچ زنی بدون اجازه شوهرش حق سفر کردن ندارد، هیچ زنی بدون اجازه شوهرش حق خارج شدن از منزل و دیدار و ملاقات با خانواده و یا دوستانش را هم ندارد!

امروز و بعد از سه دهه جنگ و ویرانی در افغانستان، هنوز مردم شور بخت این دیار در دام اختلافات مذهبی سنی و شیعه و عشیره ای عشیره های پشتون و تاجیک و هزاره و ازبک و... گرفتارند و هر روز هم بابتش تاوان های سنگین انسانی میدهند!

امروز و بعد از سه دهه جنگ و اشغال و اسارت، مردم رنج دیده این دیار در دام افیون اسلام، افیون تریاک، افیون ناسیونالیسم، و در میان ویرانگی های بجا مانده از جنگ و کشتار و مین های عمل نکرده و هزاران هزار انسان بی دست و پا و فقر و فلاکت بی حد و حصر، بی هیچ افق روشنی زجر می بینند و تحقیر می شوند!

امروز و بعد از سه دهه جنگ و اشغال، هنوز از آن سعادت و بهروزی و ترقی ای که منادیان صلح و دموکراسی وعده اش داده بودند که با خود به ارمغان آورند، خبری نیست!

امروزه و بعد از سقوط سلطه طالبان، هنوز هم باورهای طالبانی باز تولید می شوند!

مملکتی که بیش از ۳۰ سال است رنگ صلح و آرامش بخود ندیده است؛ مملکتی که اشغال شده و زیرچکمه های نظامیان نیمی از کشورهای عالم و ارتجاع مذهبی له شده است؛ مملکتی که زیر نفوذ و قدرت ویرانگر نمایندگان سرمایه و مباحثان خدا و مشتی رئیس عشیره و دزد و چپاولگر ضد بشر که همه هنرشان توسعه کشت تریاک و صدور و فروش آن از طریق یک شبکه مافیایی است؛ در مملکتی که مردمانش روزانه بیش از هر چیز چشم در چشم نظامیان اشغالگر ناتو و مزدوران جهادی و طالبانی دارند و توپ و تانک و اسلحه و خون و تریاک می بینند، باید از امنیت و بهداشت و مدرسه و حقوق مدنی و زندگی انسانی خبری نباشد! در مملکتی که بیش از ۳۰ سال است غیر از جنگ و ویرانی و کشتار و جنایت، هیچ نشانی از یک زندگی آرام و امن بخود ندیده و به برکت اسلام سیاسی و حکومت بنیادگرایان جهادی نمیتوان نشانی از مدنیت و احترام به حقوق انسان را در آن دید؛ باید طالبان پاسدار اسلام، برای صیانت از اسلام شان، مدارس دختران را به آتش بکشند!

در مملکتی با حاکمانی دزد و حکومتی ارتجاعی که "قوانین" موجودش برگرفته از شریعت، و مجریان و پاسدارانش مشتی انسان فاسد و دزد باشند؛ باید شهروندانش از کمترین امنیت جانی، حقوقی، و خدمات اجتماعی برخوردار نباشند! باید بزرگترها بیکار و کودکان بی مدرسه باشند! باید بازار تولید تریاک و فرآورده هایش در دست کارگزاران دولتی و مافیای توزیع و ترافیک مواد مخدر گرم و پررونق باشد! در مملکتی که برابر با قانون برگرفته از شریعت اسلام، زن کالا است و ازدواج دخترکان ۱۶ ساله قانونی است و هر روزه باستناد احکام خدا و آیات قرآن کودکان ۹ ساله بیالا به عقد در می آیند و دولت و قانون چشم میپوشند، باید دختران خرد سال بجای مدرسه رفتن در خانه بمانند و از همان سن کودکی آداب شوهرداری را بیاموزند!

در مملکتی که هنوز هم سنتهای فوق ارتجاعی قبیله ای و عشیره ای رایج است و ازدواجهای "زن به زن" که در میان افغان ها به ازدواج «گاو به گاو» معروف است و خیلی هم وسیع و متداول می باشد؛ باید زن در ردیف حیوانات به شمار آید و خرید و فروش شود! در مملکتی که مردمانش زیر سلطه طالبان و جنگ افروزی قوم و قبیله های مختلف هر روزه به خاک و خون کشیده می شوند، باید زنان وجه معامله و وجه المصالحه اختلافات قومی و عشیره ای شوند!

در مملکتی که نیروهای ناتو و در رأس آن آمریکا به تکاپو افتاده و طالبان را دعوت به سهیم شدن در حکومت میکنند، باید انتظار داشت که همان قوانین نیم بند امروز هم حذف و در مدارس دختران هم تخته شوند!

اگر در این مملکت جنگزده، اسلام زده، ارتجاع زده، دور از مدنیت، بلحاظ مالی و اداری به شدت فاسد و گندیده، حداقل نظم و نسقی بود؛ اینچنین زنان و دختران این کشور در میان گدازه های جهنم اسلام و آتش ارمغان آورندگان "صلح و دموکراسی" نمی سوختند!

مردم بلا کشیده افغانستان و زنان زجر دیده و بی حقوق این کشور، باید از این جهنم و از حوزه تأثیر انواع افیون های رایج و موجود در این مملکت، رها شوند!

رهایی از این جهنم و خلاصی از چنگ این افیون ها کاری است سخت و دشوار، اما شدنی!

هموار سازی راه رهایی از این جهنم، از این مهلکه، از این گرداب، از این گنداب، رسالت کمونیست ها و انسان های آزادی خواه و برابری طلب است!

تلاشهای تا کنونی کمونیستهای افغان و فعالان مدافع حقوق شهروندی مردم افغانستان در داخل و خارج این کشور برای سرعت بخشیدن به این هموار سازی ها بدون تلاش دیگر کمونیست ها و جریانات چپ و رادیکال تمامی دنیا و بدون یک بسیج انقلابی علیه وضع موجود امکان پذیر نیست!